

درس هفتم نابرابری اجتماعی

وقتی مدیران یک شرکت تولیدی پیشنهاد می کنند به هر کس به اندازه ای که شایستگی دارد، دستمزد پرداخت شود، کدام اولویت ها را مد نظر می گیرند؟ مدیران یک شرکت تولیدی، درباره چگونگی پرداخت دستمزد به کارکنان شرکت اختلاف نظر دارند؛

برخی پیشنهاد می کنند، به هر کسی به اندازه ای که شایستگی دارد، دستمزد پرداخت شود. ^۱ این عده تفاوت های

افراد مانند توان جسمی و ذهنی، انگیزه و مهارت را برجسته می کنند، ^۲ رقابت میان افراد برای تولید بیشتر را

ضروری می دانند و افراد و گروه های «توانگر» را در اولویت قرار می دهند. ^۳

وقتی مدیران یک شرکت تولیدی پیشنهاد می کنند از هر کس به اندازه توانش کار بخواهیم اما به اندازه نیازش به او دستمزد بدهیم، کدام اولویت ها را مد نظر می گیرند؟ برخی دیگر پیشنهاد می کنند، از هر کس به اندازه توانش کار بخواهیم اما به اندازه نیازش به او دستمزد بدهیم.

^۱ این عده شباهت های افراد مانند هم نوع، هم وطن و همکار بودن را برجسته می کنند و بر آن تأکید می نمایند، ولی

^۲ افراد و گروه های «کم توان» را در اولویت قرار می دهند.

راهکار پیشنهادی هر گروه برای تعیین قیمت کار افراد نیز متفاوت است. **گروهی از مدیران شرکت تولیدی که افراد و گروه های توانگر را در اولویت قرار می دهند در مورد "تعیین قیمت کار افراد" چه دیدگاهی دارند؟** گروه اول معتقدند بازار همان طور که قیمت کالاها را بر اساس قانون عرضه و تقاضا تعیین می کند، می تواند قیمت

کار افراد را نیز بر همین اساس مشخص نماید. اما از نظر گروه دوم، بازار نمی تواند ارزش واقعی کالاها و کار افراد

را مشخص کند. برای مثال شاید فردی ناچار شود برای تعمیر ترکیدگی لوله آب خانه اش در یک روز تعطیل

تابستانی، مبلغ گزافی به تنها لوله کشی که آماده کار است، بپردازد، اما آیا ارزش واقعی کار این لوله کش، همین

مقدار است؟ همان طور که برخی راننده های تاکسی در ساعات پرتدد و روزهای بارانی، کرایه ای را طلب می کنند

که بیشتر از نرخ قانونی است. به همین دلیل گروه دوم، دخالت دولت برای کنترل بازار را لازم می دانند. آنها به

دولت اعتماد می کنند و معتقدند دولت به نمایندگی از همه و به نفع همه عمل می کند.

هر چند مدیران این شرکت درباره چگونگی پرداخت دستمزد به کارکنان گفت و گو می کنند، اما در واقع به دنبال

گروهی از مدیران شرکت تولیدی که افراد و گروه های کم توان را در اولویت قرار می دهند در مورد "تعیین قیمت کار افراد" چه دیدگاهی دارند؟

در مثال های زیر نوع تفاوت ها را مشخص کنید. دی ۹۷
 الف- سفید یا سیاه پوست بودن: تفاوت اسمی ب- قد، هوش: تفاوت رتبه ای

تحقق هدف بزرگ تر و اساسی تری هستند. آیا می توانید هدف و مسئله اصلی آنها را حدس بزنید؟ شما راهکار کدام گروه را بیشتر می پسندید؟ آیا خودتان راهکار دیگری برای دستیابی به آن هدف دارید؟

نابرابری در ثروت، قدرت و دانش می باشد. شهریور ۹۸
 الف- اسمی ب- فطری ج- اجتماعی د- طبیعی

تفاوت یا نابرابری؟

همه می دانید که افراد از جنبه های مختلف با یکدیگر متفاوت اند. انسان ها از نظر قد، وزن، جنس، رنگ پوست، توانایی جسمی و ذهنی، قدرت سیاسی، ثروت، تحصیلات، مهارت، پایگاه اجتماعی، محل سکونت، زبان، لهجه و... باهم تفاوت دارند. اما آیا همه این تفاوت ها از یک نوع اند؟ خیر با دقت در تفاوت های میان افراد مشخص می شود که همه تفاوت ها از یک نوع نیستند؛ منظور از تفاوت های اسمی چیست؟ با مثال

دی ۹۸
 ص غ

• برخی تفاوت ها، تفاوت های اسمی نامیده می شوند و نمی توان افراد را بر اساس این تفاوت ها، رتبه بندی کرد. مثلاً برخی افراد سفیدپوست و برخی رنگین پوست هستند. این دو گروه از نظر رنگ پوست متفاوت اند، اما هیچ کدام بر دیگری برتری ندارد. یا زن و مرد از نظر جنسیت با یکدیگر متفاوت اند اما هیچ کدام بر دیگری برتری ندارد.

منظور از تفاوت های رتبه ای چیست؟ با مثال

• برخی تفاوت ها مانند تفاوت در قد، هوش، ثروت و تحصیلات، تفاوت های رتبه ای نامیده می شوند و می توان افراد را بر اساس این تفاوت ها، رتبه بندی کرد؛ یعنی برخی افراد کمتر و برخی بیشتر از این ویژگی ها برخوردارند؛ برای مثال افرادی که دارای قد و ضریب هوشی متفاوت هستند، با هم نابرابرند یا افرادی که دارای ثروت و تحصیلات متفاوت هستند، با هم نابرابرند.

مثال برای نابرابری های طبیعی منظور از نابرابری های اجتماعی چیست؟ با مثال

برخی نابرابری ها، طبیعی هستند مانند نابرابری افراد در قد و ضریب هوشی، اما برخی نابرابری ها مانند نابرابری در تحصیلات و ثروت، اجتماعی اند؛ یعنی در جامعه ایجاد می شوند. برای مثال میزان تلاش افراد یا موقعیت خانواده ای که در آن متولد شده اند، آنها را از نظر رتبه نابرابر می سازد. بنابراین تفاوت ها را می توان به سه نوع «تفاوت اسمی»، «نابرابری طبیعی» و «نابرابری اجتماعی» تقسیم کرد.



برخی تفاوت ها مانند تفاوت در قد، هوش، ثروت و تحصیلات نامیده می شود؟ خرداد ۹۹

الف- نابرابری های اجتماعی ب- نابرابری های طبیعی
 ج- تفاوت های اسمی د- تفاوت های رتبه ای

کدام گزینه به تفاوت های رتبه ای اشاره دارد؟ شهریور ۹۹

۶۸

الف- ضریب هوشی و قد ب- رنگ پوست و لهجه ج- ثروت و جنسیت د- زبان و محل سکونت

هر عبارت کدام یک از انواع تفاوت و نابرابری را نشان می دهد؟ دی ۹۹
 الف- تفاوت در زبان، لهجه و رنگ پوست: تفاوت های اسمی
 ب- نابرابری در ثروت و تحصیلات: نابرابری اجتماعی



■ در نظام آپارتاید، تفکیک نژادی در اماکن عمومی؛ ایستگاه‌ها، ورزشگاه‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس و... اجرا می‌شد.

■ اعتراضات زنان با پلاکاردهایی در دست برای احقاق حق رأی (لندن، ۱۹۱۱). در انگلستان، زنان در مقابل شوهر، مالک دارایی خویش نبودند. حق مالکیت، حق کار و حق رأی به تدریج و پس از دهه‌ها مبارزه، به زنان داده شد.

گفت و گو کنید

- در طول تاریخ، بسیاری از فرهنگ‌ها و جوامع، تفاوت‌های اسمی و نابرابری‌های طبیعی را بهانه‌ای برای نابرابری‌های اجتماعی قرار داده‌اند. مثلاً به دلیل تفاوت میان دو جنس یا نژادهای مختلف، میان آنها نابرابری‌های اجتماعی ایجاد کرده‌اند.
- عده‌ای در مخالفت با این نوع برخوردها، همه تفاوت‌ها و نابرابری‌ها را نابرابری اجتماعی می‌پندارند و همه نابرابری‌های اجتماعی را نیز مضر و مخرب می‌دانند. هردوی این نگاه‌ها، نادرست‌اند. به نظر شما هر کدام از این دو نگاه چه مشکلاتی ایجاد می‌کنند؟

سه رویکرد به نابرابری اجتماعی

تفاوت های اسمی و نابرابری های طبیعی در چه صورت مورد توجه جامعه شناسان قرار می گیرند؟

دی ۹۷ «نابرابری اجتماعی» یکی از مهم ترین موضوعات مورد توجه جامعه‌شناسان است. تفاوت‌های

اسمی و نابرابری‌های طبیعی در صورتی که به نابرابری‌های اجتماعی منجر شوند، مورد توجه

جامعه‌شناسان قرار می‌گیرند. علت نابرابری های اجتماعی در دیدگاه جامعه شناسان چیست؟ دی ۹۸ دی ۹۹

جامعه‌شناسان در مطالعه نابرابری‌های اجتماعی، به قشربندی اجتماعی در جوامع توجه دارند

و می‌گویند علت نابرابری‌های اجتماعی این است که مزایای اجتماعی یعنی ثروت، قدرت و

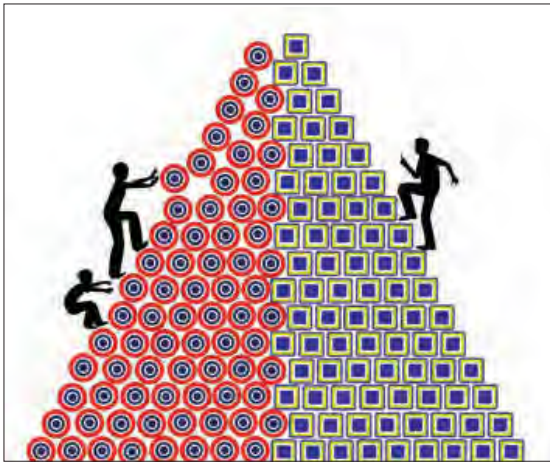
دانش به صورت نابرابر میان افراد توزیع شده‌اند، از این رو برخی افراد در بالای سلسله مراتب

اجتماعی قرار می‌گیرند و برخی افراد در پایین آن.

مزایای اجتماعی را نام ببرید. ثروت - قدرت - دانش

جامعه‌شناسان در مطالعه نابرابری های اجتماعی به کدام عامل در جوامع توجه دارند؟ دی ۹۷

الف- عدالت اقتصادی ب- رقابت ج- قشربندی اجتماعی د- عدالت اجتماعی



■ برخی افراد برای دستیابی به مزایای اجتماعی راه هموارتری پیش رو دارند.

■ مفهوم قشربندی در جامعه‌شناسی، از زمین‌شناسی گرفته شده است و جامعه‌ها مانند زمین دارای لایه‌بندی سلسله‌مراتبی دانسته شده است.

اما آیا وجود نابرابری‌های اجتماعی برای جامعه ضرورت دارد؟ یا اینکه برای برقراری عدالت اجتماعی باید با نابرابری اجتماعی مبارزه کنیم و همه افراد و گروه‌ها را برابر نماییم؟ در پاسخ به این پرسش‌ها، رویکردهای متفاوتی وجود دارد؛

ویژگی‌های رویکرد اول (مدل لیبرالی) را بیان کنید

رویکرد اول: برخی جامعه‌شناسان معتقدند که نابرابری اجتماعی برای بقای جامعه ضرورت

دارد. از نظر آنان نابرابری اجتماعی از تفاوت‌ها یا نابرابری‌های طبیعی ناشی می‌شود.

یک مثال ذکر کنید که استدلال رویکرد اول را در ارتباط با قشربندی اجتماعی بیان کند (برای مثال دو نفر را تصور کنید که هر کدام یک هکتار زمین دارند و در آن کشاورزی می‌کنند.)

در پایان سال فردی که توانمند بوده و تلاش بیشتری کرده است، محصول بیشتری برداشت خواهد کرد. ممکن است فرد دیگر به دلیل ناتوانی یا تنبلی نتواند هیچ محصولی برداشت نماید. این فرد برای برطرف کردن نیازهایش، به دیگری به دلیل ناتوانی یا تنبلی نتواند هیچ محصولی برداشت نماید. خواهد شد. در اینجا یک مبادله رخ می‌دهد، مثلاً فردی که محصول اضافی دارد، نصف زمین فردی که محصول ندارد را از او می‌گیرد و در عوض هزینه‌های زندگی او را برای یک سال تأمین می‌کند. از این به بعد، یکی از کشاورزان یک و نیم هکتار زمین دارد و دیگری نیم هکتار. اگر این روند سال بعد هم ادامه پیدا کند، کسی که باز هم نتوانسته محصولی برداشت نماید، دیگر زمینی نخواهد داشت و ناچار به کار مزدی خواهد شد؛ یعنی برای دیگری کار خواهد کرد.

۳ این جامعه‌شناسان طرف‌دار قشربندی اجتماعی هستند و معتقدند که از گذشته تا حال، هیچ جامعه‌ای بدون قشربندی اجتماعی نبوده است یعنی قشربندی پدیده‌ای است که در همه زمان‌ها و مکان‌ها وجود داشته است.

در کدام رویکرد به نابرابری اجتماعی معتقدند که از گذشته تا به حال هیچ جامعه‌ای بدون قشربندی نبوده است و قشربندی پدیده‌ای طبیعی است؟ دی ۹۹

ب- مخالفین مالکیت خصوصی
د- طرفداران عدالت اجتماعی

الف- طرفداران قشربندی اجتماعی
ج- مخالفین قشربندی اجتماعی



■ رزا پارکس، زن سیاهپوست امریکایی که حاضر نشده بود جای خود را در اتوبوس به یک مرد سفیدپوست بدهد و به همین علت بازداشت و جریمه شد.

■ در نظام فئودالی دهقانان شبیه برده بودند؛ مالک چیزی نبودند و به فئودال تعلق داشتند.

از دیدگاه جامعه شناسان طرفدار قشربندی اجتماعی نابرابری های اجتماعی نتیجه چیست؟ **۹۸ خرداد** تفاوت ها یا نابرابری های طبیعی

۹۹ خرداد
جاخالی

طرفداران قشربندی اجتماعی چنین می‌پندارند که نابرابری‌های اجتماعی نتیجه تفاوت‌ها یا نابرابری‌های طبیعی هستند، بنابراین عادلانه‌اند اما آنها این واقعیت را نادیده می‌گیرند که نابرابری‌های اجتماعی همیشه نتیجه نابرابری‌های طبیعی نیستند. مثال ذکر شده در ابتدای بحث شاید بتواند نقطه آغاز شکل‌گیری نابرابری‌های اجتماعی را توجیه نماید، اما نمی‌تواند نابرابری اجتماعی میان افرادی که در طبقات اجتماعی مختلف متولد می‌شوند را توضیح دهد. در هر جامعه‌ای، برخی از افراد در طبقه بالا و برخی دیگر در طبقه پایین متولد می‌شوند؛ یعنی نقطه شروع رقابت میان افراد، یکسان نیست. مثلاً کودکانی که در طبقه بالا متولد می‌شوند، نسبت به کودکانی که در طبقه پایین متولد می‌شوند، از امکانات آموزشی بهتری برخوردارند. در چنین شرایطی یک نابرابری اجتماعی مقدمه نابرابری‌های اجتماعی بعدی می‌شود، نه یک تفاوت یا نابرابری طبیعی.

نتیجه طبیعی دانستن قشربندی اجتماعی بر نقش انسان از سوی طرفداران قشربندی چه بود؟ شهریور ۹۹

پدید آمدن و ادامه یافتن آن را نادیده می‌گیرند و تغییر در آن را چندان امکان‌پذیر نمی‌دانند. به علاوه با تأکید بر کارکردهای قشربندی، آن را تأیید و تثبیت می‌کنند.



■ صدلی بازی یک بازی گروهی است که اگر صرفاً با نگاه رقابتی انجام شود، روحیه خودخواهی را تقویت و همکاری را تضعیف می‌کند.

با اینکه طرفداران قشربندی اجتماعی رقابت را در زندگی اجتماعی، ضروری می‌دانند اما از این نکته مهم غفلت می‌کنند که در رقابت عادلانه باید نقطه شروع رقابت یکسان باشد. شما درباره رقابت در زندگی اجتماعی چه نظری دارید؟

طرفداران رویکرد اول، در بحث رقابت، از کدام نکته غفلت دارند؟

اندیشمندان اجتماعی که مخالف قشربندی اجتماعی هستند، کدام عامل را مهم می دانند؟ خرداد ۹۸

ب- تثبیت رقابت اجتماعی
د- فطرت انسانی

الف- عدالت اقتصادی
ج- طبیعی دانستن قشربندی اجتماعی

ویژگی های رویکرد دوم (مدل کمونیستی) را بیان کنید

- رویکرد دوم: اندیشمندان اجتماعی که مخالف قشربندی اجتماعی هستند، معتقدند که
- ۲ نابرابری های اجتماعی، ناشی از تفاوت ها و نابرابری های طبیعی نیست، بلکه نتیجه روابط سلطه جویانه میان انسان هاست و باید با آن مبارزه کرد. اینان عدالت اقتصادی را مهم می دانند
 - ۳ و معتقدند که با توزیع برابر ثروت، عدالت برقرار خواهد شد. از نظر آنان، مالکیت خصوصی موجب برقراری روابط ظالمانه میان افراد و در نتیجه، نابرابری اجتماعی شده است، بنابراین برای ایجاد برابری، باید مالکیت خصوصی را از میان برداشت، مخالفان قشربندی گمان می کنند، اگر مالکیت خصوصی از بین برود، دیگر طبقه پایین نخواهیم داشت و بدین ترتیب همگان شرایطی یکسان خواهند داشت. از نظر آنان قشربندی اجتماعی توسط انسان ها پدید
 - ۶ آمده و تداوم یا تغییر آن نیز به دست آنهاست. علاوه بر این، تأکید آنان بر معایب قشربندی نشان می دهد که آنان خواهان از میان برداشتن قشربندی هستند. آیا حذف مالکیت خصوصی راه حل مناسبی برای برقراری عدالت در جامعه است؟ آیا عدالت به معنای برابری است؟ خیر



■ در جوامع سوسیالیستی، مالکیت خصوصی وسایل تولید وجود نداشت.

با حذف مالکیت خصوصی در دیدگاه مخالفان قشربندی اجتماعی، نتیجه چه شد؟ شهریور ۹۸
با حذف مالکیت خصوصی، انگیزه رقابت از بین می رود؛ زیرا این امر سبب می شود تلاش و شایستگی افراد کوشا و توانمند نادیده گرفته شود.
در این رویکرد، نقطه شروع رقابت ها یکسان می شود اما به دلیل اینکه انگیزه رقابت از بین می رود، راه پیشرفت مادی مسدود می گردد.

به نظر شما آیا رقابت و رفاقت همیشه در مقابل یکدیگرند؟

انتقادات وارد به رویکرد دوم (مدل کمونیستی) را بنویسید

ببینیم و بدانیم



فیلم «نیاز» روایت نوجوانی به نام علی است که پس از فوت پدرش سرپرست خانواده می شود و برای کار به یک چاپخانه می رود. ولی در آنجا رقیبی هست که او هم به این کار نیاز دارد. رقابت این دو نوجوان بر سر کار، بلوغ فکری و اجتماعی شان را به دنبال دارد.

چرا طرفداران رویکرد سوم (مدل عدالت اجتماعی)، رویکرد اول را ناعادلانه می داند؟

چرا رویکرد سوم (مدل عدالت اجتماعی) رویکرد دوم را ناعادلانه می داند؟

دلایل طرفداران عدالت اجتماعی در مورد ناعادلانه بودن رویکرد قشربندی و عدالت اقتصادی را بیان کنید. (ذکر دو مورد کافی است) دی ۹۷

رویکرد سوم: طرفداران عدالت اجتماعی معتقدند هیچ کدام از دو رویکرد قبل، عادلانه نیستند. **۱** رویکرد اول عادلانه نیست چون این واقعیت را نادیده می گیرد که افرادی که در طبقه اجتماعی پایین متولد می شوند حتی با داشتن شایستگی و تلاش برابر با افرادی که در طبقه اجتماعی بالا متولد می شوند، به سادگی امکان رقابت ندارند. **۲** رویکرد دوم نیز عادلانه نیست زیرا در آن افراد توانمند و کوشا، به اندازه استحقاقی که دارند، از مزایای اجتماعی برخوردار نمی شوند. **۳** در رویکرد اول، نقطه آغاز رقابت و در رویکرد دوم نقطه پایان رقابت، عادلانه نیست. **۴** هر دو رویکرد به دلیل ناعادلانه بودن، با فطرت انسانی سازگار نیستند و در نتیجه به شکست

می انجامند. چگونه امکان رقابت برای همگان در رویکرد طرفداران عدالت اجتماعی فراهم می شود؟ شهریور ۹۸

در رویکرد عادلانه، مالکیت خصوصی لغو نمی شود اما جامعه وظیفه دارد امکان رقابت را برای همگان فراهم کند و نقطه شروع رقابت را یکسان نماید. بدین منظور دولت به نمایندگی از جامعه موظف است، نیازهای ضروری همه افراد مانند خوراک، پوشاک و مسکن را تأمین کند. بدین ترتیب، همه کودکان از امکانات اولیه برای پیشرفت، بهره مند می شوند و می توانند براساس توانایی و شایستگی خود با دیگران رقابت نمایند. دولت نیز تلاش می کند برای کاهش نابرابری های اجتماعی تدابیر بیشتری بیندیشد؛ مثلاً از ثروتمندان مالیات بگیرد و از آن برای رفع فقر در جامعه استفاده کند.

در رویکرد عدالت اجتماعی، دولت چگونه برای کاهش نابرابری ها تلاش می کند؟ خرداد ۹۹
در رویکرد طرفداران عدالت اجتماعی، دولت به نمایندگی از جامعه چه وظایفی دارد؟ خرداد ۹۸



■ طرح خانه سازی عمومی برای اقشار کم درآمد در برزیل



■ دولت ها برای حمایت از اقشار کم درآمد آنها را زیر چتر حمایت بیمه های اجتماعی قرار می دهند.



■ مالیات ابزاری برای کاهش فاصله طبقاتی است.

این رویکرد نه با رهاسازی مطلق موافق است و نه با کنترل مطلق. نه اجرای عدالت را به دست نامرئی بازار می سپارد و نه دخالت همه جانبه دولت را می پذیرد. طرفداران این رویکرد به دنبال برقراری عدالت اجتماعی هستند اما به بهانه عدالت اجتماعی، آزادی های افراد و امکان رقابت میان آنها را از بین نمی برند.

کدام رویکرد به نابرابری، نه با رهاسازی مطلق موافق است و نه با کنترل مطلق؟ دی ۹۸

الف - طبیعی دانستن قشربندی اجتماعی
ب - طبیعی دانستن قشربندی اجتماعی
د - طرفداران عدالت اجتماعی

الف - مخالفان قشربندی اجتماعی
ج - طرفداران قشربندی اجتماعی

این سه رویکرد در مدل زیر نمایش داده شده است. آیا می‌توانید آن را تفسیر کنید؟



ارزیابی کنید

جوامع مختلف برای کاهش نابرابری‌های اجتماعی راهکارها و راه‌حل‌های مختلفی را در پیش می‌گیرند از جمله:

- گرفتن مالیات از اقشار برخوردار
- پرداخت یارانه به اقشار کم‌برخوردار

به نظر شما آیا اجرای این راه‌حل‌ها سبب کاهش نابرابری‌های اجتماعی در ایران شده است؟

راهکار پیشنهادی شما برای کاهش نابرابری اجتماعی در کشور چیست؟

بخوانیم و بدانیم

برخی جامعه‌شناسان، قشربندی اجتماعی را جهانی و ضروری می‌دانند؛ آنان کارکردهای قشربندی را با طرح چند سؤال و پاسخ به آنها، شرح می‌دهند؛ مانند اینکه جامعه چگونه انگیزه برعهده گرفتن نقش‌های مناسب و پس از آن انگیزه انجام وظایف این نقش‌ها را در افراد ایجاد می‌کند؟ سپس توضیح می‌دهند که:

- برخی نقش‌ها از نقش‌های دیگر کم‌زحمت‌تر، راحت‌تر و خوشایندترند.
- برخی نقش‌ها برای بقای جامعه از نقش‌های دیگر، مهم‌ترند.
- نقش‌های متفاوت، به توانایی‌ها و استعدادها متفاوتی نیاز دارند.

به نظر این جامعه‌شناسان، نقش‌های عالی رتبه همان نقش‌هایی هستند که برعهده گرفتن آنها پرزحمت و پرمسئولیت است ولی برای بقای جامعه مهم‌ترند و به بیشترین توانایی و استعداد نیاز دارند. بنابراین جامعه باید پاداش‌های بیشتری برای این نقش‌ها در نظر بگیرد تا افراد شایسته، این نقش‌ها را بپذیرند و به خوبی آنها را ایفا نمایند و گرنه نقش‌های بلند پایه در جامعه بدون متصدی می‌مانند؛ مثلاً برای اینکه افراد، دردسرها و سختی‌های تحصیل و کار در رشته پزشکی را بپذیرند، جامعه ناگزیر است که حقوق بالا، فراغت کافی و احترام زیادی برای این نقش در نظر بگیرد.

به این نظریه انتقادات مهمی وارد شده است:

- جایگاه ممتاز کسانی را که از مزایای اجتماعی قدرت و ثروت برخوردارند، حفظ می‌کند زیرا آنها را شایسته داشتن چنین امتیازاتی می‌داند و حتی اعطای چنین پاداش‌هایی را به صلاح جامعه می‌بیند.
- این نظر که چون نظام قشربندی در گذشته وجود داشته و در حال حاضر نیز وجود دارد پس در آینده هم باید باشد، صحیح نیست. شاید جوامع آینده را بتوان به شیوه قشربندی نشده‌ای ساخت تا نابرابری اجتماعی تا حد امکان کاهش یابد.
- این فکر که هر نقشی که مزایای اجتماعی بیشتری دریافت می‌کند، برای جامعه مهم‌تر است، چندان قابل دفاع نیست. آیا واقعاً نقش یک پرستار در جامعه، کم‌اهمیت‌تر از یک هنرپیشه سینما است؟ آیا نقش یک رفتگر برای جامعه، حیاتی‌تر از مدیران تبلیغاتی نیست؟ آیا ثروت، قدرت و احترام اختصاص داده شده به این نقش‌ها متناسب با اهمیت آنهاست؟ آیا نقش‌هایی که مزایای اجتماعی کمتری دریافت می‌کنند لزوماً راحت‌تر و خوشایندترند؟ مثلاً نقش کارگر راحت‌تر و خوشایندتر از نقش مدیر است؟
- آیا افراد واجد شرایط برای نقش‌های بلندپایه به راستی کمیاب‌اند؟ یا چون بعضی افراد از کسب آموزش‌های لازم برای دستیابی به نقش‌های بلندپایه محروم‌اند و فرصت نمی‌کنند که توانایی‌هایشان را نشان دهند، تعداد افراد شایسته، کم به نظر می‌رسد؟
- لازم نیست همیشه برای تشویق مردم به برعهده گرفتن نقش‌های بلندپایه، حتماً به آنها قدرت، درآمد و احترام بدهیم. گاهی آدم‌ها به دلیل رضایت از انجام کار خوب یا به خاطر خدمت به دیگران و مهم‌تر از همه کسب رضایت الهی، به ایفای نقش‌های مهم و پرزحمت ترغیب می‌شوند.

جامعه‌شناسی انتقادی

■ پیوند دانش و ارزش جامعه‌شناسان انتقادی در مورد رویکرد های تبیینی و تفسیری چه نظری دارند؟ در پایان درس گذشته بیان شد که جامعه‌شناسان انتقادی معتقدند که رویکردهای تبیینی و تفسیری محافظه‌کارند و انسان‌ها را در برابر وضعیت موجود منفعل و مجبور می‌سازند. آیا شما می‌توانید دلایل آنها را برای چنین ادعایی بازگو کنید؟

غلبه رویکرد تبیینی در جامعه‌شناسی موجب چه چیزی شد؟
(غلبه رویکرد تبیینی در جامعه‌شناسی موجب می‌شد که کار داوری درباره ارزش‌ها خارج از قلمرو علوم اجتماعی قرار گیرد و غیرعلمی قلمداد شود. در این نگاه انتقاد از وضعیت موجود و تجویز راه‌حل برای بهتر شدن آن کار علم نبود. این اعتقاد با عنوان «جدایی دانش از ارزش» بیان می‌شد؛ یعنی دانش و ارزش دو قلمرو متمایز و متقابل دارند؛ «دانش»، قلمرو

منظور از "جدایی دانش از ارزش" که در جامعه‌شناسی تبیینی مطرح می‌شد، چیست؟

با غلبه رویکردی تفسیری، کدام رویکرد جامعه‌شناسی به حاشیه رفت؟ و کدام گزاره‌های در علوم اجتماعی مطرح شد؟

«تبیین»^۱ و در مقابل «ارزش»، قلمرو «تفسیر»^۲ معرفی می‌شد. با غلبه رویکرد تفسیری، رویکرد تبیینی به حاشیه رفت و راه بازگشت دعاوی انتقادی و تجویزی به علوم اجتماعی باز شد. این بار از پیوند دانش و ارزش سخن به میان می‌آید و «دانش انتقادی» شکل می‌گیرد. دانش انتقادی، دانشی است که از وضعیت موجود انتقاد می‌کند و می‌خواهد برای عبور از وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب راه حل ارائه کند. **دانش انتقادی چگونه دانشی است؟**



■ **Loving v. Virginia** نام پرونده‌ای در حقوق مدنی آمریکا و مربوط به ازدواج یک مرد سفیدپوست و زن سیاه‌پوست است. آنها به دلیل نقض قانون هم‌گرایی نژادی که در آن هرکس باید با هم‌نژاد و هم‌طبقه خود ازدواج می‌کرد، به یک سال حبس محکوم شدند. محکومیت آنها بازتاب گسترده‌ای در افکار عمومی داشت.



■ مرد سیاه‌پوست در حال خوردن آب از آب‌خوری رنگین‌پوستان براساس قانون جیم‌کرو (جدا اما برابر) که بین سال‌های ۱۸۷۶-۱۹۶۵ به اجرا درآمد، همه اماکن عمومی، مدارس دولتی، اتوبوس و حتی پارک‌ها برای سیاه‌پوستان و سفیدپوستان جدا شد.



■ دهه شصت میلادی عصر اعتراض سیاه‌پوستان، سر بر کشیدن دوباره جنبش زنان، جنبش دانشجویی و جنبش ضد جنگ ویتنام بود.

ویژگی‌های جامعه‌شناسی انتقادی را بنویسید

بدین ترتیب از درون رویکرد تفسیری، نوع جدیدی از جامعه‌شناسی به نام «جامعه‌شناسی انتقادی» پدید آمد که به توصیف و تبیین پدیده‌های اجتماعی بسنده نمی‌کند بلکه به داوری ارزشی پدیده‌های مورد مطالعه می‌پردازد و آن را با ملاک‌های ارزشی (خوب و بد) و هنجاری (باید و نباید) ارزیابی می‌کند؛ جامعه‌شناسی انتقادی علم را به معنای حسی و تجربی آن محدود نمی‌کند

۱- کشف و بازخوانی «واقعیت‌ها»

۲- خلق و بازسازی «ارزش‌ها»

۶ تلاش می کند از محدودیت های علم تجربی رها شود تا بتواند چنین معیارهایی را جست و جو کند. **مثال** مثلاً صرفاً به توصیف و تبیین تبعیض نژادی در جوامع نمی پردازد بلکه آن را تقبیح و از آن انتقاد می کند و یا عدالت اجتماعی را تحسین می کند و برای گسترش آن راه حل هایی تجویز می کند. **مهم ترین هدف جامعه شناسی انتقادی چیست؟** مهم ترین هدف جامعه شناسی انتقادی، نقد وضعیت موجود جهان اجتماعی و تجویز راه حل هایی برای رسیدن به یک وضعیت بهتر است. فاصله میان وضع موجود و وضع مطلوب جهان اجتماعی، جامعه شناسی را به داوری درباره ارزش ها و انتقاد از آنها می کشاند. جامعه شناسان انتقادی برای داوری و انتقاد، به معیارهای علمی نیاز دارند تا براساس آن وضعیت موجود را ارزیابی کنند، تصویری از وضعیت مطلوب ترسیم کنند و راه عبور از وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب را پیشنهاد دهند. به نظر شما جامعه شناسی انتقادی چگونه به این کار مبادرت می کند؟

■ کنش و ساختار **زندگی اجتماعی انسان، دو وجه دارد، آنها را بنویسید**

می دانید که زندگی اجتماعی انسان، دو وجه دارد:

- ۱] از سویی افراد در زندگی گروهی خود با یکدیگر، جهان اجتماعی و ساختارهای آن را می سازند.
- ۲] از سوی دیگر هر جهان اجتماعی الزامها و پیامدهایی دارد که زندگی انسان ها را متأثر می سازد. تا زمانی که یک جهان اجتماعی از طریق مشارکت اجتماعی افراد پابرجاست، پیامدهای آن نیز باقی است. با تغییر جهان اجتماعی موجود و به دنبال آن، برداشته شدن الزام هایش، جهان

اجتماعی جدیدی شکل می گیرد و پیامدهای دیگری به دنبال می آورد. **ایا امکان دارد که یکی از دو وجه زندگی اجتماعی بیشتر مورد توجه و تأکید قرار گیرد؟** [همواره این امکان وجود دارد که یکی از این دو وجه زندگی اجتماعی بیشتر مورد توجه و تأکید قرار گیرد و وجه دیگر آن نادیده گرفته شود؛ مثلاً پیامدهای جهان اجتماعی برای افراد برجسته شوند و بیشتر مورد تأکید قرار گیرند ولی این وجه که جهان اجتماعی ساخته انسان هاست نادیده گرفته شود یا بالعکس. یعنی گاهی نظام اجتماعی و ساختارهای آن و گاهی کنش های اجتماعی مورد توجه قرار می گیرند.]

برجسته کردن یک وجه زندگی اجتماعی و تأکید بر آن و نادیده گرفتن وجه دیگر، می تواند آثار و پیامدهای نامطلوبی، برای زندگی اجتماعی، به وجود بیاورد.



■ فیلم «دیوانه از قفس پرید»، تحت تأثیر فلسفه فوکو و در نقد قدرت ساخته شد. تیمارستان هم در فیلم و هم در اندیشه فوکو نمادی از ساختار قدرت است و مقیاس کوچک تری از جامعه. در فیلم، «مک مورفی»، نمادی از تلاش برای آزادی و پرستار «رچد» مظهر قدرت سرکوبگر است.

چرا از نظر جامعه‌شناسان انتقادی، بی‌توجهی به ساختارهای اجتماعی و نادیده گرفتن آنها، به معنای چشم‌پوشی از آثار و پیامدهای مخرب آنهاست؟

جامعه‌شناسان انتقادی به کدام نکته مهم توجه داشتند؟

جامعه‌شناسان انتقادی به این نکته مهم توجه داشتند. آنها همانند جامعه‌شناسان تفسیری بر توانایی و خلاقیت افراد در ساختن جهان اجتماعی تأکید می‌کنند اما کم‌توجهی رویکرد تفسیری به ساختارهای اجتماعی و تأثیر این ساختارها بر زندگی افراد را درست نمی‌دانند. جامعه‌شناسان انتقادی معتقدند گاهی جهان اجتماعی و ساختارهای آن که به دست خود انسان‌ها ایجاد شده‌اند سازندگان خود را زیر سلطه درمی‌آورند. بی‌توجهی به ساختارهای اجتماعی و نادیده گرفتن آنها، به معنای چشم‌پوشی از آثار و پیامدهای مخرب آنهاست؛ زیرا انتقاد از ساختارهای اجتماعی را ناممکن می‌سازد و در نتیجه امکان کنترل آثار مخرب آنها از دست می‌رود.

مهم‌تر اینکه گاهی پیامدهای معناها و اراده‌های فرد یا گروهی بر فرد، گروه یا فرهنگ دیگری تحمیل می‌شود. گاهی معناها، ارزش‌ها و ساختارهایی که گروه یا قومی می‌سازند گروه یا قوم دیگری را زیر سلطه خود درمی‌آورد و سرکوب می‌کند.

جامعه‌شناسی انتقادی چگونه به نقد سلطه در روابط و مناسبات میان افراد، گروه‌ها و فرهنگ‌ها می‌پردازد؟
جامعه‌شناسان انتقادی بر ضرورت انتقاد علمی از ساختارهای سرکوبگر، تأکید می‌کنند تا از سلطه چنین ساختارهایی بر انسان‌ها پیشگیری کنند و زمینه شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی انسانی‌تر را فراهم آورند. جامعه‌شناسی انتقادی به نقد سلطه در روابط و مناسبات میان افراد، گروه‌ها و فرهنگ‌ها می‌پردازد.

■ ارزیابی دستاورد جامعه‌شناسی انتقادی ایراداتی که به جامعه‌شناسی انتقادی وارد است کدامند؟

جامعه‌شناسی انتقادی با پذیرش رویکرد تفسیری معتقد است که تمام معانی و ارزش‌ها ساخته و پرداخته اراده‌های افراد، گروه‌ها و فرهنگ‌هاست. هر فرد، گروه و فرهنگی اراده خاص خود را دارد و معانی و ارزش‌های ویژه خود را خلق می‌کند. هیچ‌کدام بهتر یا بدتر از دیگری نیستند یا هیچ‌کدام درست یا غلط و حق یا باطل نیستند! رویکرد انتقادی هیچ‌گونه حقیقت یا فضیلتی را کشف نمی‌کند تا براساس این حقایق و فضایل به نقد کنش‌ها و روابط میان انسان‌ها و جوامع بپردازد. بلکه برای دفاع از اراده افراد، گروه‌ها و فرهنگ‌ها معتقد است، نباید اراده فرد یا گروهی بر فرد یا گروه دیگری تحمیل شود یا فرهنگی از گستره جغرافیایی و محدوده تاریخی خود فراتر رود و بر فرهنگ دیگری اعمال سلطه کند. اگر چنین اتفاقی رخ دهد و اراده فرد یا گروهی سرکوب گردد، مصداق سلطه است و باید به انتقاد از آن پرداخت. ولی آیا کنش‌های ناپسند و ظالمانه انسان محدود به سلطه و سرکوب اجتماعی است؟ آیا عدالت صرفاً نقد و نفی سلطه و سرکوب است؟ **خیر** آیا ظلم به خویشتن، ظلم به طبیعت، ظلم به دیگران و ظلم به خدا همگی مصادیق سلطه‌اند؟ آیا جامعه‌شناسی انتقادی ظرفیت انتقاد از تمامی کنش‌های ناپسند فردی و اجتماعی را دارد؟ **خیر**

جامعه‌شناسی انتقادی

موضوع	روش	هدف
کنش‌های اجتماعی و پیامدهای آن	تفسیری، انتقادی و تجویزی	انتقاد از وضع موجود، تجویز وضع مطلوب و راه رسیدن به آن

بخوانیم و بدانیم

بیرون از زمانه و زمینه جهان متجدد، بشر این‌گونه می‌اندیشد؛ اولاً حقایق و ارزش‌هایی فراتر از انسان وجود دارد که هستی آنها وابسته به انسان نیست؛ یعنی این حقایق ساخته و پرداخته ذهن‌ها و فرهنگ‌های بشری نیستند که از جایی به جایی و زمانی به زمانی دیگر تغییر کنند.

ثانیاً انسان امکان شناخت و دریافت این حقایق را دارد و باید برای دسترسی به آنها تلاش کند. البته انسان‌ها پس از شناخت این ارزش‌ها ممکن است زندگی خود را براساس آنها تنظیم کنند یا برخلاف آنها عمل کنند.

ثالثاً انسان در شناخت صحیح این حقایق و ارزش‌ها ممکن است دچار خطا و اشتباه شود ولی هرگز به سبب اشتباهات احتمالی خود از شناخت این حقایق دست نمی‌کشد.

اکنون در زمانه و زمینه جهان متجدد، جامعه‌شناسی انتقادی بدون پذیرش این اصول سه‌گانه در جست‌وجوی ملاک‌ها و معیارهایی است تا براساس آنها بتواند به نقد و ارزیابی زندگی اجتماعی انسان‌ها بپردازد و با شناسایی وضع مطلوب بشر برای عبور از وضع موجود به وضع مطلوب راهی نشان دهد. دربارهٔ نقاط قوت و ضعف این رویکرد بیشتر تأمل کنید.

به جز داد و خوبی مکن در جهان پناه کهان باش و فرّ مهان
 به دینار کم ناز و بخشده باش همان داد ده باش و فرخنده باش
 به نیکی گراییم و پیمان کنیم به داد و دهش دل گروگان کنیم
 که خوبی و زشتی ز ما یادگار بماند، تو جز تخم نیکی مکار

(فردوسی)

اگر چه عدالت، همواره مورد توجه و علاقهٔ انسان‌ها بوده است؛ ولی برای همهٔ دیدگاه‌هایی که دربارهٔ آن سخن می‌گویند، اهمیت یکسانی ندارد. برخی دیدگاه‌ها، عدالت را اساسی‌ترین ارزش یا یکی از اساسی‌ترین ارزش‌ها می‌دانند ولی برای برخی دیگر، عدالت از آن جهت اهمیت می‌یابد که وسیله‌ای برای تحقق ارزش‌های دیگر است؛ مثلاً عدالت را مقدمهٔ دستیابی به رفاه مادی یا آزادی می‌دانند و برای رسیدن به رفاه و آزادی، خواهان عدالت هستند.

دربارهٔ جایگاه عدالت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تحقیق کنید و براین اساس، وضعیت عدالت آموزشی در ایران امروز را نقد و ارزیابی کنید.

مفاهیم اساسی

– نابرابری اجتماعی

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

خلاصه کنید

– فاصله میان وضعیت موجود و وضعیت مطلوب جهان اجتماعی، جامعه‌شناسی را به داوری درباره ارزش‌ها می‌کشاند.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....